

واکاوی کیفی هنجارها و باورهای تسهیل کننده بزهکاری

در میان نوجوانان کهنوج^۱

میثم لورگی^۱، داریوش بوستانی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴)

چکیده

این پژوهش به دنبال شناسایی و فهم بسترها و فرآیندهای تسهیل کننده بزهکاری در میان نوجوانان شهرستان کهنوج است. روش شناسی پژوهش، نظریه زمینه‌ای بوده است. مشارکت کنندگان، ۳۰ نفر از نوجوانان شهرستان کهنوج بوده که با روش شیوه نمونه‌گیری هدفمند و راهبرد حداکثر تنوع و همچنین نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند. داده‌ها به وسیله مصاحبه عمیق نیمه‌ساختار یافته جمع‌آوری شد.

داده‌ها با سه استراتژی کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تجربه و تحلیل داده‌ها منجر به خلق ۱۰ مقوله اصلی و یک مقوله هسته گردید، که عبارتند از: بارانداز بودن منطقه و دسترسی آسان، بافتار جرم‌زا و جامعه‌پذیری جرم، ادراک محرومیت و توسعه نیافتگی، تبارهای هویت بخش، استعاره و اسطوره‌های بزهکاری، باورهای عامیانه تسهیل کننده، شبکه‌های اجتماعی و بازتولید بزهکاری، ناکامی منزلتی و مقاومت شکننده، مرزهای مبهم قانون و خرده‌فرهنگ بزهکاری. در نهایت مقوله هسته نیز عبارت است از: "برساخت و هم‌افزایی بزهکاری"
واژه‌های کلیدی: برساخت، بزهکاری، نوجوانان، کهنوج، نظریه زمینه‌ای.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Doi: <https://doi.org/10.22034/JSS.2023.555969.1700>

* مقاله علمی: پژوهشی

^۱ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، بخش علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان. mlouragi@gmail.com

^۲ دانشیار جامعه‌شناسی، بخش علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. dboostani@uk.ac.ir

مقدمه و بیان مساله

رفتارهای ضد اجتماعی و انحرافات نوجوانان و جوانان یکی از نگرانی‌های بزرگ جامعه معاصر است. چگونگی آشکار شدن این نگرانی، خواه از طریق قانون، سیاستگذاری و تصمیمات قانونی یا تصمیمات مدارس و خانواده‌ها پیامدهای مهمی برای امنیت عمومی و مسئولیت پذیری دارد (هیلبران^۱ و دیگران، ۲۰۰۵). بزهکاری اصطلاحی است که برای برخی رفتارهای ضداجتماعی به کار می‌رود. بزهکاری طیفی از رفتارهای هنجارشکنانه را دربر می‌گیرد از قبیل سرپیچی از قانون و برانگیخته شدن واکنش اجتماع، هنگامی که توسط فردی که هنوز به بزرگسالی نرسیده انجام شود. بزهکاری به مثابه انحراف، رفتار ضد اجتماعی مساله دار، پرخاشگری بین فردی، مصرف مواد مخدر و یا ترکیبی از این رفتارها تعریف عملیاتی می‌شود (مارت^۲، ۲۰۰۸). مطالعات نشان می‌دهند هر چه فرد در سنین کمتری به بزهکاری روی آورد احتمال تکرار آن در بزرگسالی بیشتر است (مارت، ۲۰۰۸). در حوزه جرم شناسی، صاحب نظران بر این باورند که بزهکاری ترک انجام وظیفه قانونی و یا ارتکاب عمل خطایی است که الزاما عنوان جرم ندارد، لیکن این اصطلاح اغلب معادل جرم و به ویژه در ارتباط با جرایم ارتكابی از سوی اطفال و نوجوانان به کار می‌رود (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷: ۱۹۹). در اغلب تعاریف بزهکاری، تاکید بر سن و دوره نوجوانی است.

اغلب گزارش‌ها در سطح جهانی از رشد جرم و بزهکاری حکایت می‌کنند و این زنگ خطری است که برای جوامع به صدا در می‌آید. هزینه‌های تحمیل شده به جامعه در فرایند شکل گیری فرصت مجرمانه نشان از اهمیت توجه به دوره نوجوانی و اهتمام بیشتر به رفتارهای این گروه دارد. مطالعه یک اقتصاد دان به نام کوهن^۳ (۱۹۹۸) هزینه تحمیل شده بر جامعه آمریکا را در سال ۱۹۹۷ به ازای هر ترک تحصیل از دبیرستان و تبدیل آن به یک فرصت مجرمانه، بین ۱،۷ تا ۲،۳ میلیون دلار تخمین زده است. پیامدهای منفی بزهکاری نوجوانان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی، اهمیت بررسی علل، شرایط و فرآیندهای بزهکاری را دوچندان می‌کند.

مطالعات انجام شده در ایران با محوریت بزهکاری نوجوانان در حوزه‌های مختلفی از قبیل روانشناسی، جامعه شناسی و حقوق صورت گرفته است اگر چه غلبه با رویکرد کمی است اما کارهای کیفی هم در این حوزه انجام شده است. آن چه زمینه طرح مساله و انتخاب یک

¹ Heilbrun et al.

² Marte

³ Cohen

روش‌شناسی کیفی برای مطالعه آن را فراهم کرد شرایط و بافتار خاص میدان مطالعه یعنی شهرستان کهنوج است.

کهنوج یکی از شهرستان‌های جنوبی استان کرمان در جنوب شرق کشور است که در میان سه استان کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان به عنوان یک مسیر ارتباطی عمل می‌کند اما به لحاظ فرهنگی و ریشه‌های تاریخی، لباس، گویش و زبان با سیستان و بلوچستان و هرمزگان قرابت بیشتری دارد. کهنوج در مسیر ترانزیت قاچاق مواد مخدر قرار گرفته است. مواد مخدری که از مرزهای افغانستان با رگیری می‌شود، پس از عبور از مرزهای شرقی کشور، در ادامه از حاشیه تالاب جازموریان و منطقه جنوب کرمان می‌گذرد. با توجه به توسعه نیافتگی شهرستان‌های جنوبی و به طور خاص، کهنوج، این مساله تاثیر زیادی بر شیوه معیشت، سبک زندگی و حتی خرده فرهنگ مردمان این دیار گذاشته است. به عبارت دیگر بافتار و بستر اجتماعی مهبیای رفتارهای مجرمانه و بزهکارانه است. اگر چه گروه‌های سنی مختلف از این شرایط تاثیر پذیرفته اند اما شواهد میدانی و تجربه زیسته نویسنده اول که بیش از یک دهه به عنوان معلم در کهنوج با نوجوانان سروکار دارد حاکی از آن است که در طراحواره‌های ذهنی نوجوانان، بازی‌های آنان، تعاملاتشان و حتی نقاشی‌های آنها بن مایه‌هایی از نمادهای بزهکارانه یافت می‌شود. به عبارتی جهان زیست آنها با نشانه‌ها و نمادهای بزهکارانه بویژه مواد مخدر گره خورده است. اینجاست که به قول صاحب‌نظران مسایل اجتماعی (رابینگتن و واینبرگ^۱، ۱۳۹۱: ۱۲) آن حلقه‌ی آخر تبدیل پدیده به مساله اجتماعی، یعنی ضرورت ایجاد تغییر احساس می‌شود. از آن جا که اولین گام برای تغییر، شناخت مساله است ایده این پژوهش کیفی نضج گرفت و مساله پژوهش به این شکل طرح گردید: شرایط، بافتار و فرایندهای تسهیل‌کننده بزهکاری نوجوانان در کهنوج چگونه اند؟ با توجه به ماهیت مساله پژوهش، روش شناسی نظریه زمینه‌ای برای کندوکاو مساله یاد شده، انتخاب شد، به عبارتی با رویکرد امیک و از نگاه نوجوانان به پدیده مورد بررسی پرداخته شد.

پیشینه پژوهش

یاراحمدی و شادمان‌نیا (۱۴۰۱) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که تعداد زیادی از بزهکاران در خانواده‌هایی بزرگ شده اند که از محبت والدین محروم بوده اند و بیشتر وقت‌ها میان اعضای

¹ Rubington & Veinberg

خانواده ناسازگاری، کدورت و درگیری وجود داشته است. به همین دلیل خانواده یکی از عوامل مهم در ارتکاب جرم نوجوانان است. سراج زاده و عزیز زاده (۱۳۹۳) با به کارگیری رویکرد برساخت گرایی و با روش زمینه ای از منظر افراد بومی به شرایط و تعاملات و پیامدهای اعتیاد و مصرف مواد مخدر در شهرستان "رودبار جنوب" پرداخته اند و به مقولاتی دست یافته اند که نشان می‌دهد مردم در این منطقه اعتیاد و مصرف مواد مخدر را در اکثر موقعیت‌ها و وضعیت‌های مختلف بهنجار و عادی تلقی می‌کنند. قادری و محسنی تبریزی (۱۳۸۹) با رویکردی جامعه شناختی با هدف شناخت نقش خرده فرهنگ‌های قومی، هشت خرده فرهنگ بزرگ قومی در ایران (در قالب ۱۴ استان) را مورد مطالعه کیفی قرار داده و برای شناسایی هنجارهای تسهیل گر در سه حوزه توصیه‌های دارویی و درمانی، باورهای عامیانه و ضرب المثل‌های تشویق کننده مصرف مواد در ادبیات شفاهی، بررسی آداب و رسوم خاص در بعضی جشن‌ها و مهمانی‌ها اقدام کرده است. اسکندری چراتی (۱۳۹۶) در تحقیقی عوامل اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی موثر بر بزهکاری نوجوانان پسران ۱۹-۱۳ سال شهر آزادشهر را مورد بررسی قرار دادند و یافته‌ها نشان داد که بین متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با بزهکاری نوجوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

یافته‌های مطالعه کیفی هانت^۱ (۲۰۰۶) در میان نوجوانان کم درآمد ترین‌ها که در زمان پژوهش در مرکز پرورش جوانان بودند نشان می‌دهد که رفتار آن‌ها به تلاش‌های شان برای استقرار یک هویت پایدار مربوط می‌شود. مطالعه کیفی دیگری (بوکی^۲، ۲۰۱۲) در غنا به شش مضمون عمده اشاره می‌کند که زمینه ساز رفتار بزهکارانه در میان نوجوانان می‌شود. این مضامین عبارتند از: دینداری و اخلاق، حشرونشر با همسالان بزهکار، بزهکاری و مصرف مواد مخدر، عملکرد خانواده هسته ای، حمایت ناکافی خانواده گسترده، بی تفاوتی در مدرسه، و نهایتاً برچسب زنی توسط همسایگان. محقق بر این باور است که نوجوانان بزهکار، رفتار بزهکارانه خود را به مثابه ابزاری برای رسیدن به هدف می‌دانستند. نتایج یافته‌های سورونگ و لاینگدو^۳ (۲۰۲۰) علل و شرایطی که منجر به رفتار بزهکارانه نوجوانان را اینگونه معرفی می‌کنند: فشار همسالان، مرحله نوجوانی (تأپایداری احساسی و شخصیت)، ناپایداری مالی، عوامل محیطی (شرایط

¹ Hunte

² Boakye

³ Surong & Lyngdoh

خانوادگی، مهارت والدین و محیط اطراف) و رسانه‌های اجتماعی. یافته‌ها همچنین نشان داد که آموزش، نقش کلیدی در شکل دادن به نظام باورها و ارزش‌های اخلاقی دارد. مطالعات با محوریت بزهکاری نوجوانان در طیف وسیع و روش‌های مختلفی انجام شده است اما خلاء پژوهش در جنوب کرمان و به طور خاص کهنوج، منجر به شکل‌گیری ایده این پژوهش گردید که روش کیفی می‌تواند منجر به فهم جدیدی از فرآیند شکل‌گیری بزهکاری در میان نوجوانان این شهرستان گردد.

روش شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع و اهداف پژوهش، از روش شناسی کیفی و روش نظریه زمینه‌ای (گراند تئوری) بهره گرفته شد. استراوس و کربین در کتاب مبانی پژوهش کیفی در تعریف این روش ذکر می‌کنند که نظریه زمینه‌ای نظریه‌ای است که به طور مستقیم از داده‌هایی استخراج شده باشد که در جریان پژوهش به طور منظم جمع‌آوری و تحلیل شده باشند. آنها معتقدند که در این روش، گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه‌ی نهایی با یکدیگر در ارتباطی تنگاتنگ بوده و در این روش محقق پژوهش خود را با نظریه‌ای که ممکن است از قبل در ذهن داشته باشد آغاز نمی‌کند (کربین و استراوس، ۱۹۹۸) به نظر آنها پژوهش در عرصه‌ی واقعیت شروع شده و محقق اجازه می‌دهد که نظریه از درون داده‌های گردآوری شده خلق شود (کربین و استراوس، ۱۹۹۸).

میدان تحقیق، مشارکت‌کنندگان و نمونه‌گیری

میدان تحقیق در این پژوهش، شهرستان کهنوج است. شهرستان کهنوج در جنوب استان کرمان قرار گرفته و اقتصاد آن مبتنی بر کشاورزی است. این شهرستان در مسیر ترانزیت قاچاق مواد مخدر (اغلب تریاک) از مرزهای افغانستان قرار گرفته، ناچاراً بعد از عبور از مسیر سیستان و بلوچستان در ادامه گذر از حاشیه تالاب جازموریان و نهایتاً در کهنوج بارانداز می‌شود. بنابراین همواره به طور بالقوه احتمال آنکه جهان زیست بسیاری از نوجوانان و جوانان در معرض جرم و بزهکاری قرار گیرد وجود دارد.

در این تحقیق بر اساس منطق گراند تئوری، با بهره‌گیری از نمونه‌گیری نظری و معیار اشباع نظری مشارکت‌کنندگان در فرآیند کندوکاو میدانی انتخاب شدند. قاعده اساسی نظریه

زمینه‌ای این است که گردآوری داده‌ها تا زمان اشباع مقولات ادامه پیدا کند (گلیزر^۱، ۱۹۷۸، گلیزر و استراوس^۲، ۱۹۶۷). سه ویژگی از نظر کربین و استراوس برای اشباع نظری وجود دارد: ۱. هیچ داده‌ی جدید یا در ارتباط با یک مقوله به دست نیاید. ۲. مقوله از نظر ویژگی‌ها و ابعاد به خوبی گوناگونی را نشان بدهد. ۳. مناسبات و ارتباط میان مقولات به خوبی مشخص و اعتبار آنها ثابت شده باشد (کربین و استراوس^۳، ۱۹۹۸).

در فرآیند جمع‌آوری داده‌ها و نمونه‌گیری نظری، طی مصاحبه با ۳۰ مشارکت‌کننده، اشباع نظری حاصل شد. مشارکت‌کنندگان نوجوانان شهرستان کهنوج بوده و در بازه‌ی سنی نوجوان (۱۱-۲۰) جای می‌گیرند. علاوه بر این تعداد از مشارکت‌کنندگان، با تعداد ده نفر از مطلعان کلیدی نیز جهت روش شدن ابعاد پدیده مورد بررسی مصاحبه به عمل آمد. این مطلعین کلیدی شامل معتمدین محلی، هم‌چنین پرسنل نیروی انتظامی و کارشناسان مشاور نوجوانان در مدارس متوسطه است که با مسایل نوجوانان و پدیده بزهکاری آشنا هستند. اسامی تمامی مشارکت‌کنندگان در متن این پژوهش، مستعار می‌باشد.

جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته بود. هر مصاحبه بین ۴۰ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید. هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها، آن گونه که منطبق روش شناسی کیفی حکم می‌کند کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت گرفت. سوالات پژوهش در خلال تجزیه و تحلیل و هم‌چنین از یادداشت‌های میدانی به طور تدریجی آشکار گردید. منطق نمونه‌گیری نظری نیز بر این فرآیند حاکم بوده است.

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها، مبتنی بر سه روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی بوده است. تجربه زیسته نویسنده اول، پیوندهای قومی و بومی بودن او علاوه بر اینکه باعث حساسیت نظری شد در ایجاد اعتماد و شکل‌گیری یک فضای طبیعی نیز نقشی به سزا داشته است.

اعتمادپذیری

سه روش مورد استفاده عبارتند از: روش ممیزی، روش بررسی توسط اعضا و روش مقایسه‌های تحلیلی. در روش اول، دو محقق بر انجام کار، مفاهیم به دست آمده و بر فرآیند کدگذاری سه‌گانه

¹ Glaser

² Glaser & Strauss

³ Corbin & Strauss

نظارت داشتند. در روش دوم یعنی بررسی توسط اعضا، از مشارکت کنندگان خواسته شد تا مفاهیم و مقوله‌ها را ارزیابی کنند و درباره صحت و اعتبار آن نظر بدهند (کرسول، ۱۹۹۴). در این مرحله مقولات را به تایید مشارکت کنندگان رسید و نظر آن‌ها در اصلاحیه نهایی لحاظ گردید. در روش سوم به داده‌ها رجوع و ساخت بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه شد تا از صحت یافته‌های به دست آمده اطمینان حاصل شود.

یافته‌های پژوهش

پس از جمع آوری و تحلیل هم زمان داده‌های پژوهش، ۱۰ مقوله و یک مقوله هسته استخراج گردید که عبارتند از: بارانداز بودن منطقه و دسترسی آسان، بافتار جرم زا و جامعه پذیری جرم، ادراک محرومیت و توسعه نیافتگی، تبارهای هویت بخش، استعاره و اسطوره‌های بزهکاری، باورهای عامیانه تسهیل کننده بزهکاری، شبکه‌های اجتماعی و تسهیل بزهکاری، ناکامی منزلتی و مقاومت شکننده، مرزهای مبهم قانون. در نتیجه غور و غوص و تأمل در داده‌ها و تلفیق مقولات ده گانه، مقوله هسته پژوهش تحت عنوان "برساخت و هم افزایی بزهکاری" به دست آمد. در اینجا ابتدا مقولات مطرح و گزارش مقولات به همراه نقل قول مشارکت کنندگان، ارایه می‌شوند.

بارانداز بودن منطقه، دسترسی آسان

بارانداز بودن منطقه و به تبع آن، دسترسی آسان به عنوان یکی از علل و زمینه‌های اصلی قاچاق مواد مخدر در کهنوج است که می‌تواند یکی از عوامل تسهیل کننده بزهکاری محسوب گردد. افغانستان منبع اصلی کشت تریاک است و ایران به دلیل همسایگی همواره یکی از اهداف اصلی ترانزیت و حمل تریاک توسط قاچاقچیان بوده است. در این راستا، شهرهای جنوبی استان کرمان به عنوان یکی از مسیرهای اصلی عبور مواد مخدر هر ساله شاهد کشفیات زیادی از نوع تریاک است. در جریان مصاحبه با مطلعین کلیدی که دو نفر از آنان از پرسنل نیروی انتظامی و اداره مبارزه با مواد مخدر بوده اند، تاکید شد. یکی از دلایل عمده شکل گیری خرده فرهنگ بزهکاری و گرایش به مواد مخدر، بارانداز بودن منطقه و دسترسی آسان به مواد مخدر است. مشارکت کنندگان نیز با زبان خاص خود به این وضعیت اشاره کرده اند. محمدطاها کلاس دهم می‌گوید:

"آقا الان برای خلافکار شدن کافیه یه زنگ بزنی و همراه دوتا رفیق بگردی برات همه چیز جور میشه و برای خلافکار شدن در شهر ما فقط کافیه اراده کنی هزار جور درآمد وجود دارد."

رضا کلاس هشتم می‌گوید:

"آقا ما تا حالا چندین بار از نزدیک توی راه مدرسه تعقیب و گریز مامورین و خلافکارها را دیده ایم که مامورها با تفنگ تیر می‌زنند داخل لاستیک ماشین قاچاقچیان و بارها کیسه‌های تریاک را با چشمان خودمان دیده ایم که از ماشین خلافکارها گرفته اند."

محمدعلی از پرسنل نیروی انتظامی می‌گوید:

"در حالی که در سایر نقاط کشور وظیفه نیروهای انتظامی ایجاد نظم و امنیت و فعالیت در حوزه‌های اجتماعی می‌باشد اما در جنوب کرمان و شهرستان کهنوج به دلیل بارنداز بودن منطقه، بسیاری از همکاران ما در راه مبارزه با مواد مخدر شهید یا زخمی شده اند و بیشترین وقت و انرژی نیروهای ما صرف مباحث مربوط به این حوزه می‌شود."

بافتار جرم زا و جامعه پذیری نوجوانان

منظور از بافتار جرم زا در این تحقیق وجود شرایط، اسباب و لوازم جرم و بزهکاری و همچنین دسترسی آسان است که منجر به جامعه پذیری و یادگیری مشاهده ای نوجوانان می‌شود. بافتار جرم زا می‌تواند واسطه آشنایی کودکان و نوجوانان با مصادیق جرم شده و پدیده بزهکاری را تسهیل کند. تحلیل یافته‌های یک مصاحبه گروه مرکز با تعدادی از مشارکت کنندگان، در یکی از روستاهای کهنوج نشان داد که آن ها اغلب تجربه مشاهده مستقیم اعمال بزهکارانه از نزدیک داشته اند و آشنایی اکثر آنان با جرم و بزهکاری از خانواده و محله شروع شده است. اکثر آنها مواد مخدر بالای پنج کیلو را از نزدیک دیده بودند و همه آنها بارها مصرف مواد مخدر از نوع تریاک و نحوه ی ساخت شیره را توسط یکی از نزدیکان خود مشاهده کرده بودند.

عزیزالله کلاس ششم دبستان است و می‌گوید:

"دایی من خیلی خوب بلد است شیره تریاک درست کند و مثل دانشمندان با یک کاسه مسی یا ورشو و دستمال کاغذی شب تا صبح در حال پالایش شیره‌ها است وقتی هم به زیارت مشهد می‌رویم از همان شیره‌ها با خودش می‌آورد و دور تا دور آن را چسب می‌زند که جلو پاسگاه سگ آنها را پیدا نکند."

بیش از نیمی از این کودکان فرایند دستگیری یا تعقیب و گریز قاچاقچیان مواد مخدر را در روستا مشاهده کرده اند.

سامیار و پسرعمویش که هردو کلاس چهارم هستند می‌گویند:
"چند روز پیش توی روستا مامورا ریختن روی خونه فلانی و تریاکوشو از داخل انبار
درآوردند."
تعداد زیادی از آنان در مهمانی هامصرف تریاک را مشاهده کرده بودند. یاشار کلاس
چهارم می‌گوید:
"خونه ما همیشه پر از دود است و هروقت میرم مدرسه لباسهام بوی دود تریاک
وسیگار میده".

ادراک محرومیت و توسعه نیافتگی

کهنوج با مرکز استان کرمان فاصله پانصد کیلومتری دارد و دوری از مرکز همواره دشواری‌هایی
برای مردم این منطقه به همراه داشته است. توسعه نامتوازن و نابرابری در توزیع منابع و امکانات،
خشکسالی‌های متوالی در طول چندین دهه جنوب استان کرمان را با فقر، محرومیت و توسعه
نیافتگی درگیر ساخته است.

با توجه به آنکه شغل اصلی مردم کشاورزی است اما عدم توانایی مالی کشاورزان خرده پا در
کنار فقدان بازار مناسب فروش محصولات هر ساله آنان را با مشکلاتی مواجه ساخته، به طوری که
در رسانه‌ها شاهد انتشار تصاویری از گوجه و خیار ریخته شده در کف خیابان‌های شهرهای
جنوب کرمان هستیم. بنابراین دانش آموزان و نوجوانانی که در چنین شرایط دشوار معیشتی
رشد می‌کنند قاعدتا نمی‌توانند از حمایت خانواده در نظارت بر اوضاع آموزشی و تحصیلی
مناسب برخوردار باشند چه بسا برای کمک به والدین خود مدرسه را ترک می‌کنند یا به طور
پاره وقت با آنها کمک می‌کنند.

طالب پانزده ساله دانش آموزی که اخیرا ترک تحصیل کرده می‌گوید:

"من بخاطر کمک به پدر و مادرم که گوسفند داشتند و هم زمان برای مزرعه، پول
کارگر نداشتند مجبور شدم ترک تحصیل کنم و حتی آن زمان که در مدرسه بودم
هم بلافاصله بعد از مرخص شدن فوراً به مزرعه می‌رفتم و شب‌ها تا دیروقت در مزرعه
راه‌آب (مشغول آبیاری) بودم و فصل چیدن محصولات همه اعضا خانواده ما خودشان
کار می‌کنند تا پول کارگر ندهیم که شاید تهش چیزی بماند"

کمبود امکانات آموزشی، بهداشتی، درمانی و عدم دسترسی به امکانات فرهنگی ورزشی

مناسب برای نوجوانان از جمله دلایلی بود که افراد مصاحبه شونده به آن اشاره داشته و معتقد بودند مجموعه این عوامل زمینه ساز انحرافات و بزهکاری‌های جنوب و کهنوج گردیده است. در جریان مصاحبه، برخی نوجوانان از کمبود امکانات ورزشی و فرهنگی مناسب برای اوقات فراغت خود شکایت داشتند.

یوسف دانش آموز مقطع راهنمایی می‌گوید:

"در شهر ما سالهاست که حسرت یک استخر ورزشی را داریم و هربار قول می‌دهند و اجرا نمی‌شود. در روستاها هم بچه‌ها برای یک توپ فوتبال یا لباس ورزشی باید بارها از مسئولین خواهش کنند."

مجموعه عوامل فوق همگی نشان از نابرابری‌هایی دارد که می‌تواند تا حدود زیادی شرایط تسهیل گر بزهکاری نوجوانان را فراهم کند.

تبارهای هویت بخش

ساختار اجتماعی کهنوج، اغلب طایفه ای و قومیتی است. این ساختار دارای کارکردهای مثبت در انسجام اجتماعی است به طوری که در مراسم شادی و عزا همکاری و همبستگی زیادی میان طوایف وجود دارد اما در کنار نکات مثبت گاهی نشانه‌های منفی یافت می‌شود.

در زندگی سنتی و قبیله ای مالکیت و قدرت اجتماعی افراد و گروه‌ها اغلب بر مبنای زمین، خون، نژاد و طایفه می‌باشد که همین عامل موجب تضاد و کشمکش‌های پنهان و آشکار در میان اقوام و طوایف گوناگون می‌باشد و مضامینی همچون جنگ آوری، شجاعت و انباشت سرمایه با هدف کسب قدرت اجتماعی و نمایش دادن آن رواج پیدا می‌کند و هر طایفه خود را رقیب طوایف دیگر می‌داند و تلاش می‌کند در طول زمان و در طی نسل‌های متوالی این وجهه و اعتبار را حفظ و بازتولید نماید به همین دلیل نوجوانان که این آموزه‌ها را به تدریج از والدین بزرگان خود در فرایند جامعه پذیری آموخته‌اند در زندگی واقعی آن را به نمایش می‌گذارند.

یکی از بسترهای نمایش قدرت بر اساس تبارهای هویتی، بستر مدرسه است. برخی از مشارکت کنندگان یکی از دلایل گرایش خود به خشونت و بزهکاری را همان شجاعت تلقینی می‌دانستند. تحلیل داده‌ها نشان داد قدرت و جایگاه پدران و اجداد پدری نقش پررنگی در تعاملات مشارکت کنندگان در مدرسه و سایر فضاها دارد. در واقع حس برتری جویی به مدارس هم سرایت کرده به نحوی که نوجوانان این حس برتری طلبی را در میان همکلاسی هایشان مستقیم یا غیرمستقیم ابراز می‌کنند.

شریف دانش آموز کلاس دهم می‌گوید:

"آقا پدر من می‌گوید اگه توی مدرسه کتک خوردی دیگه خونه نیا و حواست باشه از طایفه‌های پایین تر از ما کتک نخوری و آبروی ما را نبری که بگویند نوه‌های فلانی کتک خورده اند".

حمید که معلم مدرسه و اهل همین شهر است می‌گوید:

"طایفه‌گرایی و افتخار به اجداد به نوه و نتیجه‌ها هم رسیده و حالا در مدرسه خودش را نشان می‌دهد به طوری که هر روز شاهد جنک و دعوا بین دانش آموزان از طوایف مختلف هستیم و گاهی به والدین هم می‌رسد".

استعاره و اسطوره‌های بزهکاری

اسطوره‌ها و استعاره‌ها می‌توانند مسیر جامعه‌پذیری نسلی را مشخص کنند. این اسطوره‌ها و استعاره‌ها در قالب اشعار محلی، حکایت‌ها و ضرب‌المثل‌های شفاهی به نسل‌های بعدی منتقل می‌گردد. رضا نوجوان شانزده ساله با توجه به شناختی که از هم سالان خود دارد مدل‌های اسطوره‌ای مورد قبول اغلب دانش آموزان را کسانی می‌داند که اهل دخانیات و مشروبات الکلی باشد. وی صراحتاً "خلافکاران" مواد مخدر را اسطوره می‌داند. پولداری و محترم بودن را از بخشی از خصیصه‌های این اسطوره می‌داند. وی می‌گوید:

"آقا در حال حاضر تعداد کمی از بچه‌های مدرسه دنبال درس و مشق هستند، و اگر در جمع‌های نوجوانان خیلی از درس و مشق و مدرسه حرف بزنیم ما را بچه ننه و مثبت و چاپلوس مدرسه خطاب می‌کنند اما اگر اهل سیگار و قلیان و مشروب و دوستی‌های زیاد باشیم و با ماشین تند برویم بیشتر ما را تحویل می‌گیرند و حتی در مراسم عروسی اگر فاز (فاز یعنی اهل دود یا مشروب) نداشته باشی کسی باهات نمی‌چرخد در جامعه امروز خلافکاران عمده مواد مخدر برای ما در حکم اسطوره هستند و خیلی‌ها آرزو دارند مثل آنها پولدار باشند و دیگران به آنها احترام بگذارند یا بعضی نوجوانان دوست دارند از دست مامورین فرار کنند".

محمد امین دانش آموز کلاس دهم می‌گوید:

"آقا چرا درس بخوانیم که آخرش یک کارمند ساده بشویم و سوار پراید شویم؟ خلافکار می‌شویم که تویوتا تایلندی سوار شویم".

دهه‌ی هفتاد دوران مشهور به "اشرار بازی" بوده که به پایان رسیده است، اما با گذشت سالها همچنان در اشعار برخی از خواننده‌های بومی و محلی ته مانده‌های افتخار به جنگاوری آن دوران جاری است و مشارکت کنندگان نیز از این اشعار یاد می‌کنند. به عنوان مثال اشعاری نظیر "چهار راه ایرانشهر قاچاق ابروم، دلبروم هووره، بیراهش ابروم" (چهارراه ایرانشهر تریاک می‌برم و معشوقه ام و نامزدم با من است به همین خاطر بیراه می‌روم (که دستگیر نشوم) و گاهی اشعار محلی همراه با خود معانی بزهکارانه دارند و از کشتن، فرار و خشونت می‌گویند به عنوان مثال "لیکوهای محلی"، "اشرار ای کوه لگوشته، سر لیلای بریده" (اشرار از کوه پایین آمده و سر لیلای را بریده است) یا شعری که هنوز هم در ثنای تفنگ خوانده می‌شود "تفنگ دردت به جوونم، تفنگ بی تو نمونم" و شعر "جنگ توی موگونه، ای سر خامونه" یعنی (جنگ داخل نخلستان بخاطر داستان عشقی من و تو است).

باورها و سنت‌های عامیانه تسهیل کننده

در این مقوله به باورهای پرداخته شده که درباره مصرف یا قاچاق مواد مخدر و سایر جنبه‌های بزهکاری در میان برخی از افراد جامعه وجود دارد. آنچه در یک فرهنگ بهنجار است، امکان دارد در فرهنگ‌های دیگر، نامطلوب، غلط، بیماری یا عجیب و غریب قضاوت شود (چیونگ، ۲۰۰۹). در زیر ابتدا باورهای عامیانه مطرح و سپس تحلیل می‌شود.

باور "تریاک خودش دارو است": باور شفا بخش بودن تریاک در فصل زمستان به اوج خود می‌رسد یکی از افراد معتاد طایفه به فرد بیماری که دچار سرماخوردگی یا دندان درد شده است پیشنهاد مصرف تریاک یا شیره می‌دهد و می‌گوید با یک بار مصرف کردن معتاد نمی‌شوی، اما گاهی با همان یکبار مصرف درگیر می‌شود (در عرف بومی منطقه کهنوج به ابتلای فرد تازه مبتلا شده به تریاک می‌گویند فلانی هم (گسته) شد، یعنی گزیده شد).

باور "ترک اعتیاد موجب مرض می‌شود": این باور عامیانه در کهنوج یکی از عوامل ترس و دلهره در میان معتادین شده است. این باور اغلب توسط فرد معتادی که با تازگی ترک کرده است ترویج می‌شود. فرد معتادی که پس از ترک دوباره به سمت مواد باز می‌گردد، برای توجیه عمل خود این باور را در میان مردم رواج می‌دهد که ترک اعتیاد باعث بروز بیماری‌های ناشناخته در فرد می‌شود.

^۱ شعر کوتاه محلی

محمدرضا کلاس نهم ترک تحصیل کرده و حالا همراه پدرش کشاورزی می‌کند، می‌گوید:
"همیشه توی مجلس و مهمونی‌های خونه ما معتادین می‌گویند تریاک دوای هر
دردی است و بدن انسان به تریاک و مورفین نیاز دارد و پزشکان هم برای بیماران
استفاده می‌کنند و من هم حرف‌های آنها رو برای دوستان و همکلاسی‌هایم تعریف
می‌کنم."

باور "بسوزد خانه ی مخبر": مخبر به کسی می‌گویند که مقام رسمی نظامی و امنیتی
ندارد اما به طور پنهانی با نیروهای قضایی و انتظامی همکاری می‌کند و اطلاعات زندگی
قاچاقچیان را به آنان گزارش می‌دهد. در میان مردم نسبت به پلیس و نیروهای نظامی و انتظامی
دیدگاهی مثبت وجود دارد. به طوری که مردم روستا با مامورین پاسگاههای محلی رابطه ای توأم
با عطف‌داری دارند و از زخمی شدن و یا شهادت آنان متأثر می‌شوند اما نسبت به فردی که با نام
مخبر مشهور است حس تنفر دارند. مصداق بارز این تنفر را می‌توان در شبکه‌های اجتماعی از
جمله کانال و سایت خبری "کهنوجی‌ها" مشاهده کرد که هر بار با کشف محموله مواد مخدر
صدها نظر با این عناوین (بسوزد خانه مخبر، خدا لعنت کند مخبر را، مخبر نامرد) درج می‌گردد.
این باور به سایر حوزه‌ها نیز سرایت کرده و گاهی حالت افراط به خود می‌گیرد تا جایی که
حتی اگر پای منافع عمومی شهر هم در میان باشد باز هم این باور عامیانه تحت عنوان مرام و
مردانگی و اصالت مردم جنوب اجازه نمی‌دهد حتی تخلفات سازمان‌های اداری یا یک فرد
متخلف را به مراجع بالاتر گزارش دهند و گاهی این موارد نیز با همان عنوان منفی مخبری
پیوند می‌خورند. از دیدگاه برخی از مشارکت‌کنندگان یکی از دلایلی که واژه مخبر همراه با خودی
تنفر ایجاد کرده آن است که شخصیت مخبر ناشناخته است و هیچ‌گاه علنی کار خود را به
گردن نمی‌گیرد و مخفیانه و پشت پرده کار خود را انجام می‌دهد.
محمدجواد نوجوان هفده ساله که پدر خودش دستی در قاچاق مواد مخدر دارد در این باره
می‌گوید:

"زندگی ما خیلی خوب بود و همه چیز عالی پیش می‌رفت تا اینکه یک مخبر نامرد
از همسایه‌های ما انبار جنس‌ها و موادهای پدرم را به مامورین گزارش داد و ما خیلی
ضرر کردیم و مجبور شدیم همه آنچه جمع کرده بودیم را بابت مواد از دست رفته به
طلبکاران بدهیم. پدرم به چند نفر مشکوک است و می‌گوید مخبر ما این افراد بوده

اند که یک روزی به حسابشان می‌رسیم و مادرم هم همه اون‌ها رو واگذار کرده به خدا
که ان شا الله یه روزی خبر مرگ خودش و رسوا شدنش بیاد."

باور "زندان مال مرد است": این باور عامیانه هم در میان زندانیان و هم در میان خانواده‌های آنان رواج دارد. این باور بیشتر درباره جرایم مربوط به مواد مخدر و یا جرایم ملکی و دعوای‌های طایفه ای صدق می‌کند اما افرادی که با جرایمی نظیر سرقت یا جرایم منافی عفت عمومی یا کلاهبرداری به زندان می‌روند در نظر اکثر جامعه جنوب وجهه ی مناسبی ندارند و جامعه، آنان را از خود طرد می‌کند در حالی که برای فرد زندانی با جرم مواد مخدر هنگام آزادی جشن استقبال برایش می‌گیرند و یا مراسم روضه خوانی برگزار می‌کنند و اقوام و آشنایان به دیدار او می‌روند.

باور "دزدی و هیزی نکن": این باور بدین معناست که در جامعه دو تا کار بد وجود دارد یکی دزدی و دیگری هیزی (چشم چرانی و نگاه به نامحرم). امیرعلی، دانش‌آموز کلاس هفتم می‌گوید:

"پدرم همیشه به من می‌گوید: پسرم در زندگی مراقب باش که فقط دزدی و هیزی نکن و دیگه از هر راهی غیر از این‌ها پول به دست بیآوری مشکلی نیست."

باور "نجات بخشی اماکن مذهبی": در منطقه جنوب کرمان به ویژه کهنوج و روستاهای اطراف اماکن مذهبی و گاه خودساخته توسط مردم وجود دارد که اغلب دارای رونق هستند و مردم اغلب به آن‌ها باور دارند. این اماکن تحت عنوان قدم گاه یا زیارتگاه‌هایی که در اثر خواب دیدن یکی از خادمان و بانیان آن برپا شده است رواج دارند و افراد زیادی از زنان و مردان همواره در روزهای مختلف به ویژه روزهای جمعه به طور دسته جمعی به آنجا مراجعه می‌کنند و نذر و نذورات خود را در صندوق زیارت می‌ریزند.

بسیاری از مردم با نگاه شفابخشی در این اماکن حضور پیدا می‌کنند. زیارتگاهها متولیان تحت عنوان شیخ زیارت دارند که اکثرا زن هستند و کارهایی نظیر فال گرفتن و دخیل بستن و دعاکردن از جانب مردم را انجام می‌دهند. گاهی بعضی از مردم از شیوخ می‌خواهند به آنان تربت(خاک شفابخش) بدهد تا گره از کارشان باز شود. برخی برای بچه‌دار شدن به این اماکن می‌آیند یا با نیت سلامتی جسمی متوسل می‌شوند. عده ای برای آزادی زندانیانشان و تعدادی از زنان نیز برای باز شدن بخت دخترانشان. اما نکته مهمی که به فرایند بزهکاری ارتباط پیدا می‌کند آن است که بعضی از خلافکاران برای جابجایی مواد و ارسال آن به شهرستان‌های دیگر

دست به دامان شیخ زیارت می‌شوند و می‌خواهند دعا کند تا محموله‌ی قاچاق آنها به سلامت به مقصد برسد.

ابوسهل که چند تا از اقوام خانوادگی شان جز طبقه شیخ زیارت یا متولیان و خادمان زیارتگاه‌های محلی هستند می‌گوید:

"با چشم خودم دیدم که قاچاقچیان تریاک، پول کلان به شیخ زیارت می‌دهند و شیخ هم ماشین آنها را حصار می‌کند تا جنس و مواد آنها به سلامت به مقصد برسد. گاهی هم با بار جنس داخل ماشین قبل حرکت اول دور زیارت می‌چرخند و مبلغی را به عنوان پیش پرداخت به شیخ می‌دهند و بعد از رسیدن هم پولی به میزان ۱۰ الی ۱۵ میلیون به شیخ زیارت می‌دهند و یا برای ساختمان زیارت خرج می‌کنند. کولر می‌خرند یا در و پنجره زیارت را رنگ آمیزی می‌کنند و اگر اجناس آنها را دزد ببرد یا به کرایه چی مشکوک باشند داخل همین زیارت گاه‌ها قسم می‌خورند و طرفین با هم دل صافی می‌کنند که مثلا بار را خودشان ندزیده‌اند".

شبکه‌های اجتماعی مجازی و تسهیل یادگیری بزهکاری

نوجوانان زمان زیادی را در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی سپری می‌کنند. در این بستر با افراد جدید آشنا می‌شوند. سبک‌های زندگی متفاوتی را مشاهده می‌کنند. باتوجه به آنکه در عصر فراگیری ویروس جهانی کرونا اغلب آموزش و پرورش را به صورت مجازی و از طریق شبکه‌های اجتماعی دنبال کرده‌اند این امر فرصتی در اختیار دانش آموزان قرار داده تا از کنترل‌گری والدین دور باشند. علیرغم توسعه شبکه‌های اجتماعی و حضور نوجوانان کهنوجی در این فضا انتظار می‌رفت نقش‌ها و الگوهای بزهکاری از سایر فرهنگ‌ها و مناطق جغرافیایی دیگرشهرها به سرعت در خرده فرهنگ‌ها و الگوهای نوجوانان و مردم جنوب نفوذ کند، اما شاهد آن هستیم که همچنان ته نشست‌های الگوهای بزهکارانه‌ی جنوب جذابیت خود را برای نوجوانان و جوانان حفظ کرده و با کمی تغییر در حال بازتولید با سبک و سیاق جدید است. به عنوان مثال می‌توان گفت همچنان تیراندازی در مجالس شادی، قاچاق مواد مخدر و هیجان سوختبری با وانت‌های نیشان برای بسیاری از نوجوانان جذابیت دارد.

شبکه‌های اجتماعی بستر متفاوتی برای ابراز الگوهای سنتی بزهکاری در قالبی مدرن ایجاد کرده است. قبل از حضور شبکه‌های اجتماعی، نوجوانان می‌توانستند صرفاً در محافل عمومی

روستای خود حضور داشته باشند و آنچه می‌آموختند متعلق به روستای خودشان بود، اما اکنون دوستیابی از طریق فضای مجازی آسان تر شده، به رابطه با نوجوانان روستاها و شهرهای همجوار کشیده شده و موجب ایجاد باندهای رفاقتی گسترده تر شده است. نوجوانان عمدتاً از طریق فضای مجازی با سبک‌ها و روش‌ها و انواع بزهکاری جدید آشنا می‌شوند و بستر چشم و همچشمی بیشتر برایشان فراهم شده به طوری که از طریق صفحات مجازی، سبک زندگی را برای همسالان به نمایش می‌گذارند و از همدیگر تقلید می‌کنند.

فرشید کلاس یازدهم رشته انسانی و علاقه مند به مباحث جامعه شناسی، می‌گوید:
"استوری‌ها و نمایش وضعیت واتس‌آپ اکثر همکلاسی‌هایم در شبکه‌های اجتماعی اغلب عکس اسلحه کلاشینکف یا کلت کمری است و بعضی‌ها هم با نام مستعار در شبکه‌های اجتماعی عکس منقل و بافور و مشروب را منتشر می‌کنند و گاهی اوقات موزیک‌های احساسی غمگین با اشعار محلی و کلاشینکف و رگبار و یک ماشین شاسی بلند در کوه و بیابان را منتشر می‌کنند وزیر عکس می‌نویسند بالاخره یک روز می‌خرمت و بقیه بچه‌ها هم با دیدن زندگی لوکس اونا دلشون می‌خواد مثل اونها بشن".

صادق دانش آموز سال آخر دبیرستان، می‌گوید:

"در جامعه و حتی در مدرسه ما مدیر، معلم‌ها و همکلاسی‌هایم بچه پولدارهای خلافکار را که با ماشین خارجی به مدرسه می‌آیند بیشتر تحویل می‌گیرند و آنها نقش سلطان دارند و ما هم برای این که از قافله عقب نمانیم کمبودهای مادی خود را در اینستاگرام و فضای مجازی جبران می‌کنیم مثلاً با ماشین خارجی اقوام و آشنایان عکس می‌گیریم و منتشر می‌کنیم".

ناکامی منزلتی و مقاومت شکننده

تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد، تعدادی از نوجوانان گاهی احساس می‌کردند که به بزهکاری و انحرافات گرایش دارند. آنها یکی از دلایل اصلی خود را ناکامی‌های منزلتی در دوران‌های مختلف زندگی خود عنوان کردند، پدیده‌ای مشابه آنچه کوهن بیان کرده است. کوهن مدعی است فرزندان طبقات فرودست که مثل دیگر هم سن و سالان خود از طبقات متوسط جامعه به مدرسه می‌روند و در آنجا با ارزشهای طبقات متوسط آشنا و طالب منزلتهای اجتماعی مقبول (و هواخواه اهداف مشروع اجتماعی مورد نظر مرتن) می‌شوند، در رقابت با همکلاسان طبقات بالاتر خود، در می‌مانند، ناکام و تحقیر می‌شوند و می‌بازند. به نظر کوهن این فرزندان شکست خورده محروم، از

مدارس مروج ارزشهای طبقات برخوردار به همسایگی‌های محروم خود باز می‌گردند و برای جبران ناکامی خود در رقابت برای دستیابی به منزلت، "خرده فرهنگ" بزهکاری ای تاسیس می‌کنند که نظام ارزشی آن درست نقطه مقابل نظام ارزشی طبقات برخوردار و فعالیت و رقابت در آن برای آنها ثمربخش است (کوهن، ۱۹۵۵)

پیمان یکی از نوجوانان کهنوج از ناکامی‌های خود چنین می‌گوید:

"ما در خانواده‌ای بزرگ شدیم که پدرمان کارگر بود و تا آخر عمر هیچی گیرش نیومد، من دیگه نمیخوام مثل بابام بشم و با رنج و حسرت زندگی کنم حتی اگر خلاف کنم و اگر کشته شوم یا با نیشان سوخت بسوزم بخاطر خواهر و برادران کوچکم و بخاطر آینده بچه‌های خودم قاچاق میکنم که اونا زندگی راحتی داشته باشند."

تعداد قابل توجهی از مشارکت کنندگان نیز گرایشی شبیه پیمان دارند. آزاد دانش آموز کلاس نهم از ناکامی‌های خانوادگی خود چنین می‌گوید:

"بالاخره بابای من هم امسال یک وانت نیشان خریده است و با آن از کهنوج گازوئیل به مرز می‌برد و هر شب توی جاده‌ها است و من و برادرم حالا خوشحال هستیم که بابا پولدار شده است و مارا هر هفته به پارک و شهر بازی می‌برد و لباس نو می‌خرد و با ماشین خودمان به زیارت می‌رویم."

مرزهای مبهم قانون

یکی از موضوعاتی که همواره با پدیده بزهکاری در کهنوج پیوند و ارتباط پیدا می‌کند، نقش پلیس و مرزهای قانون است. تحلیل مصاحبه‌ها حاکی از تناقضاتی درباره نقش پلیس و قانون در رابطه با پدیده خلاف و بزهکاری است. در این زمینه نیز باورهای عامیانه ای وجود دارد. مرتضی دانش آموز دبیرستانی که در خارج از اوقات مدرسه به خرید و فروش گازوئیل مشغول است و گاهی همراه با نیشان‌های گازوئیلی بار می‌برد، درباره رفتار پلیس نسبت به سوخت بران می‌گوید:

"گاهی حتی نیروی انتظامی خودش هم بر سر دوراهی قرار می‌گیرد و دلش به حال ما می‌سوزد، از یک طرف فقر و محرومیت مردم را می‌بیند و از طرف دیگر باید قانون را اجرا کند."

گاهی این مباحثات تحت عنوان تبانی تلقی می‌شود، در همین رابطه نوجوان دیگری به نام علیرضا که هم زمان با تحصیل در دوران دبیرستان، در حیاط خانه شان تانکرهای بزرگ سوخت دارند و به خرید و فروش گازوئیل در محل مشغول است، می‌گوید:

"وقتی در روز روشن وانت‌های نیسان گازوئیل به طور علنی و کاروانی از جاده‌های اصلی تردد می‌کنند و کسی با آنها کاری ندارد پس یا پلیس میبیند و کاری ندارد و عمداً می‌خواد مردم بیچاره یک لقمه نون بخورند و یا خودش منفعت داره و باج می‌گیره"

خرده فرهنگ بزهکاری

خرده فرهنگ بزهکاری محصول شرایط و فرایندهای تسهیل کننده بزهکاری است. فضای مشحون از گفتمان قاچاق مواد مخدر و سوخت، قدرت و جایگاه قاچاقچیان، تعقیب و گریز پلیس و متخلفان، سبک زندگی مجرمان حرفه‌ای و غیره شرایط مناسبی را برای یادگیری و برساخت نوعی خرده فرهنگ بزهکاری فراهم کرده است. خواجه نوجوان کلاس دوازدهم، می‌گوید:

"آقا من اگر همین امروز ترک تحصیل کنم همه شرایط پولداری و خلاف برایم فراهم است. برادر بزرگترم که سالها خلافکار است و من توی دست و بال او بزرگ شده‌ام فوت و فن خلاف را یاد گرفته‌ام و الان با یک تلفن ساده می‌توانم جنس (تریاک) پیدا کنم."

منصور دانش آموز کنکوری درباره نوع نگاه نسبت به خلافکاران در میان گروه همسالان خود

چنین می‌گوید:

"ما گروهی چند نفر از دوستان و همکلاسی‌های نزدیک بودیم که برادر بزرگ یکی از دوستان آدم پول داری بود و در روستا همان یک نفر موتور و ماشین سواری داشت و در آن زمان برای ما خیلی احترام داشت. و برادرش که همسن و سال و دوست ما بود همیشه از زندگی برادرش برای ما تعریف میکرد که خیلی زرنگ است. خلاصه او برای ما فردمهمی بود تا زمانی که ما او را در حال تریاک کشیدن دیدیم و از آن روز تصمیم گرفتیم مثل او باشیم و حتی تریاک کشیدن او را تقلید می‌کردیم."

امید کلاس دهم و از یک خانواده متمول، در مورد همبستگی با دوستانش تحت هر شرایطی اینگونه روایت می‌کند:

"گروه ما آنقدر پایه هستند و پشت هم می‌ایستند که هیچکس جرات ندارد به بچه‌های گروه ما حرفی بزند، که ان وقت با یک تماس می‌ریزیم دور خانه اش و طرف را می‌زنیم یا در جعبه‌ی ماشین می‌اندازیمش و با اسلحه از او زهر چشم می‌گیریم."

بحث و نتیجه گیری

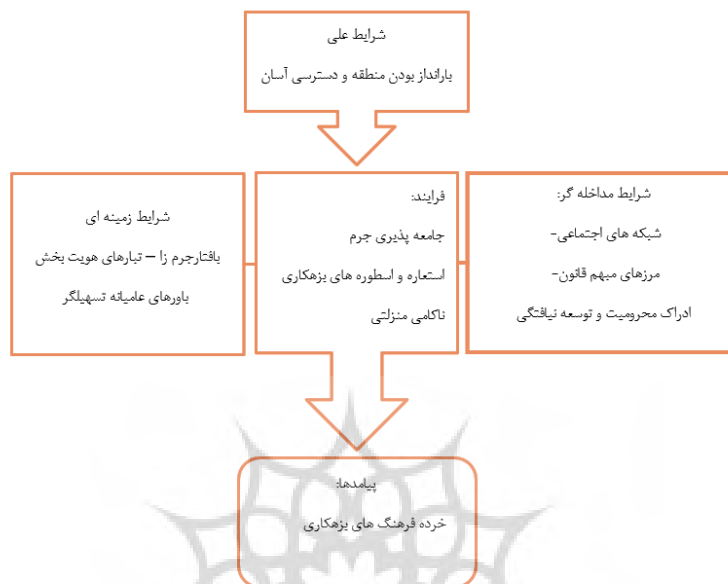
هدف اصلی این بخش تمرکز بر سؤال اصلی پژوهش، یعنی چگونگی شرایط، بافتار و فرایندهای تسهیل‌کننده بزهکاری نوجوانان در کهنوج است. بر اساس یافته‌ها به نظر می‌رسد پدیده بزهکاری نوجوانان کهنوج طی فرایند خاصی برساخته می‌شود. در یافته‌ها ۱۰ مقوله اصلی و یک مقوله ی هسته استخراج گردید که عبارتند از: بارانداز بودن منطقه و دسترسی آسان، بافتار جرم زا و جامعه پذیری جرم، ادراک محرومیت و توسعه نیافتگی، تبارهای هویت بخش، استعاره و اسطوره‌های بزهکاری، باورهای عامیانه تسهیل‌کننده، شبکه‌های اجتماعی و بازتولید بزهکاری، ناکامی منزلتی و مقاومت شکننده، مرزهای مبهم قانون، خرده فرهنگ بزهکاری و در نهایت مقوله هسته عبارت است از: برساخت و هم افزایی بزهکاری. هرکدام از مقولات به طور نسبی در برساخت بزهکاری نوجوانان کهنوج سهمی را ایفا می‌کنند. موقعیت جغرافیایی کهنوج و هم جواری با مرزهای شرقی (افغانستان) موجب دسترسی آسان به مواد مخدر شده است به نحوی که افراد زیادی معیشت خود را از طریق خرید و فروش مواد مخدر تامین می‌کنند. زندگی در یک بافتار جرم زا و مشاهده سبک زندگی و خرده فرهنگ‌های بزهکاری موجب احساس ناکامی منزلتی توسط دیگران شده و در پی آن مقاومت شکننده رخ داده و نوجوانان و جوانان زیادی تحت تاثیر چنین شرایطی به گروه‌های خلاف و بزهکاری پیوسته اند. از مهمترین دلایل و شرایطی که می‌تواند بزهکاری و احتمال پیوستن به گروه‌های بزهکار را افزایش دهد، توسعه نامتوازن و محرومیت و توسعه نیافتگی منطقه جنوب کرمان باشد. پایین بودن سطح رفاه عمومی، ادراک محرومیت، دوری از مرکز و فقدان فرصت‌های مشروع و دسترسی آسان به فرصت‌های نامشروع در ایجاد بزهکاری موثر است. در نهایت "مرزهای مبهم قانون" در ایجاد یا بازتولید بزهکاری نقش داشته است. مدل پارادایمی نیز در مرحله کدگذاری محوری استخراج گردید و ابعاد مختلف از قبیل شرایط، فرایند و پیامد مشخص گردید. به طور کلی یافته‌های این پژوهش با یافته‌های سراج زاده و عزیز زاده (۱۳۹۳) صدیق سروستانی و قادری (۱۳۸۷) و بوکی (۲۰۱۲) همپوشی داشت. از لحاظ نظری نیز یافته‌ها با نظریه حشر و نشر افتراقی، نظریه خرده فرهنگی و نظریه آنومی مرتن همپوشی دارد.

مدل: مدل پارادایمی (شکل شماره یک) که در مرحله کدگذاری محوری استخراج گردید و دارای سه بخش اصلی یعنی شرایط، فرایند و پیامد است. شرایط علی به مثابه بستر بزهکاری نوجوانان عمل می‌کنند. بارانداز بودن منطقه و دسترسی آسان به مواد مخدر در کهنوج به عنوان

یکی از شرایط علی محسوب می‌شود. اینکه فرد تا چه حد از شرایط علی تاثیر می‌پذیرد و پدیده مورد نظر به چه شکلی ظاهر می‌شود بستگی به شرایط زمینه ای و شرایط مداخله گر دارد. پدیده بزهکاری نوجوانان تحت تاثیر شرایط زمینه ای نیز است. شرایط زمینه ای این پژوهش عبارتند از: بافتار جرم زا، تبارهای هویت بخش و باورهای عامیانه تسهیل کننده.

شرایط مداخله گر نیز به مثابه بستری عمل می‌کند که باعث تخفیف و یا تشدید پدیده می‌شود. شبکه‌های اجتماعی مجازی و تسهیل یادگیری بزهکاری، ادراک محرومیت و توسعه نیافتگی و مرزهای مبهم قانون به عنوان شرایط مداخله گر نقش بسیار مهمی در راهبردهای مشارکت کنندگان در شرایط مختلف دارد. بخش فرایند مدل شامل مقولاتی از قبیل مقوله‌های جامعه پذیری جرم، استعاره‌ها و اسطوره‌های بزهکاری، ناکامی منزلتی و مقاومت شکننده است. همان گونه که مدل پارادایمی هم نشان می‌دهد پیامد عمده شرایط و فرآیندهای تسهیل کننده بزهکاری، شکل گیری نوعی خرده فرهنگ بزهکاری در میان نوجوانان است. شیوع مصرف برخی مواد مخدر و مشروبات الکلی، گرایش و حتی اقدام به قاچاق مواد و سوخت، همذات پنداری با مجرمان نامی، رواج ادبیات خلافکاری و پذیرش گفتمان مجرمانه بخشی از این خرده فرهنگ است.

مقوله هسته پژوهش عبارت است از "برساخت و هم افزایی بزهکاری". از این مقوله استنباط می‌شود که یک فرآیند برساخت و هم افزایی در بزهکاری نوجوانان در حال رخ دادن است. بدین معنی که بخش‌های مختلف جامعه، طی فرایندی خاص، به گونه ای هماهنگ برای برساخت بزهکاری بسیج شده اند. بستر جغرافیایی و شرایط اجتماعی جرم زا، شبکه‌های اجتماعی مجازی، در بستر خود نوعی خرده فرهنگ همسو ایجاد کرده که نوجوان با قرار گرفتن در این فضا، تحت تاثیر فشار هنجاری، تمایل زیادی به بزهکاری پیدا می‌کند. در عین حال، شرایط اقتصادی و ناکامی‌های منزلتی نیز بر مشروعیت خرده فرهنگ بزهکاری می‌افزاید. باورهای عامیانه بخشی دیگر از معادله هم افزایی است که نوعی فرآیند جامعه پذیری و برساخت بزهکاری را در خود دارد. اسطوره و استعاره‌های بزهکاری نیز در ته نشست ذهنی مشارکت کنندگان، زمینه ساز کنش‌های بزهکاری است.



شکل ۱. مدل پارادایمی پژوهش

منابع

- اسکندری چراتی، آذر. (۱۳۹۶). "بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی موثر بر بزهکاری نوجوانان. (مطالعه موردی: نوجوانان پسر ۱۹-۱۳ سال شهر آزادشهر)". فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، دوره ۱۳، شماره ۳۴: ۱۸۵-۲۰۶.
- رابینگتن، ارل. و مارتین، واینبرگ (۱۳۹۱). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه: رحمت الله صدیق سروستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سراج زاده، سیدحسین و عزیززاده، امید (۱۳۹۳). "برساخت اجتماعی اعتیاد و مصرف مواد مخدر در شهرستان رودبار جنوب". مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره پنجم، شماره ۲: ۲۹۶-۲۷۳.
- صدیق سروستانی، رحمت الله، (۱۳۸۶)، آسیب شناسی اجتماعی، "جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: سمت.
- صدیق سروستانی، رحمت الله، و قادری، صلاح الدین، (۱۳۸۷)، هنجارهای تسهیل کننده مصرف مواد مخدر (تریاک و نظایر آن) در میان خرده فرهنگ های قومی در ایران، "مجله دانش انتظامی، شماره پیاپی ۳۹: ۸۵-۱۱۴.
- صلاحی، جاوید، (۱۳۸۸)، بزهکاری اطفال و نوجوانان. تهران: میزان.

قادری، صلاح الدین و محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۹) "مطالعه در شناخت هنجارهای تسهیل کننده مصرف مواد اعتیاد آور در میان خرده فرهنگ‌های قومی ایران"، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، سال اول، شماره چهارم: ۳۷-۵۴.

لوزیک، دانیلین (۱۳۹۱) *نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی*، ترجمه: سعید معیدفر، تهران: امیر کبیر.
نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید (۱۳۷۷). *دانشنامه جرم شناسی*. تهران: گنج دانش. یاراحمدی، حسین، و شادمان نیا، عارف. (۱۴۰۱). "عوامل ارتکاب بزهکاری نوجوانان". *قانون یار*، ۶(۲۴)، ۳۹۷-۴۲۸.

- Boakye, A. O. (2012). Juvenile delinquency in Ghana: A qualitative study of the lived experiences of young offenders in Accra (Master's thesis, Norwegian University of Science and Technology, Faculty of Social Sciences and Technology Management, Department of Psychology).
- Cohen, A. K. (1955). *Delinquent Boys: The Culture of the Gang*. New York: Free Press.
- Cohen, M. A. (1998). "The Monetary Value of Saving a High-Risk Youth". *Journal of Quantitative Criminology*, 14, 5-33.
- Corbin, J., & Strauss, A. (1998). *Basics of Qualitative research*. London sage publications.
- Creswell, J. W. (1994). *Research design: Qualitative and quantitative approaches*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Glaser, B., & Strauss, A. (1967). *Discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. Routledge.
- Glaser, B. G. (1978). *Theoretical sensitivity*. University of California.
- Heilbrun, K., Goldstein, N. E. S., & Redding, R. E. (Eds.). (2005). *Juvenile delinquency: Prevention, assessment, and intervention*. Oxford University Press.
- Hunte, M. (2006). A qualitative study of delinquency and achievement among low income youth in Trinidad. 7 th Annual Conference March 29-31, 2006 Sherbourne Conference Centre, Barbados.
- Marte, R. M. (2008). *Adolescent problem behaviors: delinquency, aggression, and drug use*. LFB Scholarly Pub.
- Surong, R., & Lyngdoh, A. (2020). "A study on the causes of juvenile delinquency and its prevention by the community". *International journal of Indian psychology*, 8(4), 1266-1278.